

گزارش برنامه‌ی صعود به قله‌ی آبک - روز جمعه ۱۸ مرداد ماه ۱۳۸۷

سرپرست کل : نیما نوری نژاد

سرپرست تیم حمله : حسام نوریان

سرپرست تیم دوم : نیما نوری نژاد

سرپرست تیم سوم : پیوند جلالی

گزارش نویسی : پیوند جلالی

اسامی شرکت کنندگان:

رزیتا حمیدی - نسرين مهدی خانی - فاطمه اجاره دار - حدیث روغنگوها - مهسا شکوری - سمانه غیبی - شیدا نیک انجام - مرضیه سلطانیپور - مریم سلطانیپور - زهرا رستگار - زینب رستگار - پیمان مانی - امیر حسین حسینی - حامد ورمزیار - احمد تیران - فرهنگ رضانی فر - ابوالفضل درخشانی - احمد رضوی - پیوند جلالی - حسام نوریان - نیما نوری نژاد

قله‌ی ۳۴۵۰ متری آبک از قلل ناحیه‌ی البرز مرکزی است و در شرق تهران، در منطقه‌ی فشم قرار دارد. در سمت جنوب شرق این کوه، روستای روته (۲۳۰۰ متر) واقع است و در سمت شمال غرب آن روستای شمشک (۲۴۵۰ متر) ، در سمت شرق، قله‌ی روته (۳۲۵۰ متر) و در شمال آن ارتفاعات سرکچال قرار دارند. دسترسی به کوه آبک از دو طریق میسر است. یکی از طریق روستای روته، و دیگری از پیست اسکی شمشک (که در نزدیکی روستای شمشک قرار دارد) و تمام مسیر تا هر کدام از این مبدأهای صعود، آسفالت می‌باشد.

زمان قرار ۶:۱۵ صبح جمعه ۱۸ مرداد ماه اعلام شده بود، که به علت تأخیر چند نفر، در ساعت ۶:۴۵ دقیقه، با مینی‌بوس از تهران به سمت دیزین حرکت کردیم. برای صرفه جویی در زمان، صبحانه را در ماشین خوردیم، و سرپرست توضیحاتی در مورد زمانبندی و مسئولین برنامه دادند. در ساعت ۸:۱۵ به پیست اسکی شمشک رسیدیم. پس از معارفه‌ای بسیار کوتاه، ساعت ۸:۲۰ به سمت آبک شروع به حرکت کردیم.

تقریباً ۲۰-۳۰ دقیقه‌ی ابتدای مسیر شیب تندی داشت، و بعضی از همراهان از همان ابتدا، احساس عدم آمادگی کردند. همین امر سبب شد تا بنا به تصمیم سرپرست، به طور موقت افرادی که احساس خستگی می‌کردند به همراهی خود ایشان، با سرعت کمتری و با فاصله از سایر اعضا حرکت کنند. ولی با توجه به کمبود وقت و اختلاف زیادی که در بین سطح آمادگی اعضا وجود داشت، نیما نوری نژاد تصمیم گرفت افراد را به دو تیم تقسیم کند. یک تیم حمله، به سرپرستی خود وی که با سرعت نسبتاً بالا به سمت قله می‌رفتند، و گروه دوم به سرپرستی پیوند جلالی، که با سرعت ملایم و با توجه به توانایی اعضای آن به دنبال گروه اول به راه می‌افتادند.

صعود به آبک از منطقه‌ی شمشک، از دو راه ممکن است. یکی مسیر پاکوب که حدوداً یک ساعت با مبدأ صعود فاصله دارد، و از روی یالی که به دامنه‌ی اصلی آبک منتهی

می‌شود شروع می‌گردد. این مسیر ساده اما کمی طولانی است. و دیگری حرکت از روی خود یال، که آن هم در تابستان مسیر ساده‌ای به شمار می‌رود (و ما از مسیر اخیر صعود کردیم). دامنه‌ی کوه‌های منطقه پوشیده از بنه‌های تیغ و گل‌های کوهپایه‌ای است، و در این فصل حشرات مختلف (بوئزه ملخ) به وفور در آن یافت می‌گردد. اما در طول مسیر رودخانه یا چشمه‌ای وجود ندارد. ظاهراً رودخانه‌ای در سمت شرق قله‌ی آبک وجود دارد که به سمت روستای رونه سرازیر می‌شود، و احتمالاً در تابستان هم آب دارد. در تمامی مسیر روستای شمشک در سمت شمال‌غربی به چشم می‌خورد. آنتن دهی موبایل هم در طول مسیر (به جز بعضی قسمت‌ها) خوب است.

در تمام طول مسیر آنتن دهی موبایل کامل بود. مسیر به سوی قله کاملاً مشخص بود و تیم حمله به علت اختلاف ارتفاع بر تیم دوم اشراف داشت. ساعت حدوداً ۱۲ بود که نوری نژاد، به علت نگرانی از عدم آمادگی برخی افراد تیم دوم سرپرستی تیم حمله را به حسام نوریان سپرد و پس از تاکید به نوریان مبنی بر اینکه، ساعت ۲ هرکجای مسیر که بودند به سمت پایین حرکت کنند، از تیم حمله جدا شد و نزد افراد گروه دوم برگشتند. گروه اول به سرپرستی حسام نوریان به راه خود ادامه دادند. در بین افراد گروه دوم، ۵ نفر از دوستان که آمادگی صعود به قله را در خود می‌دیدند به صلاحدید نوری نژاد به همراهی او به قصد قله حرکت نمودند، و دو نفر دیگر از اعضای گروه دوم، که به علت خستگی شدید قادر به ادامه‌ی مسیر نبودند، به همراه پیوند جلالی در گردنه توقف کردند. در ساعت ۱ گروه اول به قله رسیدند. گروه دوم نیز تا این زمان تا یال اصلی پیشروی کردند. آمادگی آنها برای صعود به قله کافی بود، اما به علت کمبود وقت، صلاح آن دیده شد که به سمت گردنه بازگردند. تا ساعت ۲:۳۰ تیم دوم نیز به گردنه رسیدند و کل تیم به استراحت و صرف ناهار پرداختند. با این‌که آسمان صاف بود و خورشید به شدت می‌تابید، وزش باد ملایم و خنک اوقات خوبی را برایمان رقم زد.

پس از حدود ۴۰ دقیقه، آماده‌ی بازگشت بودیم. این بار از مسیر پاکوب حرکت کردیم. در اواخر مسیر برگشت سختگیری‌های انضباطی سرپرست کاهش پیدا کرده بود و هر کس با توجه به توان و با سرعت دلخواه خود پایین می‌آمد و عقبداری تیم به آقای احمد رضوی سپرده شد. ساعت ۵:۴۵ به جاده رسیدیم، و ساعت ۶ به سمت تهران حرکت کردیم. در راه بازگشت جلسه‌ی انتقادات و پیشنهادات برگزار شد و نهایتاً از درآمد حاصل از جریمه‌ی برخی اعضا (به دلیل تأخیر، همراه نداشتن آب و پاره‌ای بی‌نظمی‌ها) برای تمام دوستان بستنی و دلستر خریداری شد، که بی‌شک یکی از بهترین بخش‌های برنامه بود! در نهایت ساعت ۷:۴۵ به مبدأ حرکت (تهران، تقاطع رشت-ولیعصر) رسیدیم.